

Evaluating and Measuring the Rate of Access to Public Services Using Fuzzy Model; a Case Study of Mashhad Metropolis

ARTICLE INFO

Article Type

Original Research

Authors

Afsari A.¹ MA,
Seyed Alhosseini S.M.*¹ PhD,
Daneshvar M.¹ PhD,
Seghatoleslami A.¹ PhD

How to cite this article

Afsari A, Seyed Alhosseini S.M, Daneshvar M, Seghatoleslami A. Evaluating and Measuring the Rate of Access to Public Services Using Fuzzy Model; a Case Study of Mashhad Metropolis. Geographical Researches Quarterly Journal. 2019;34(1):51-61.

¹Department of Urban Design & Planning, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

*Correspondence

Address: Central Organization of Islamic Azad University, Imamieh Boulevard, Ghasem Abad, Mashhad, Iran

Phone: -

Fax: -

smh_arc@yahoo.com

Article History

Received: July 01, 2018

Accepted: January 21, 2019

ePublished: February 05, 2019

ABSTRACT

Aims & Backgrounds Collapse of the distribution system of service centers is of the most important consequences of the rapid growth of urbanization and the physical development of cities in recent decades, which has led to social inequality of citizens in enjoying this service. The urban public services shape the physical, social, and spatial nature of the city. Inequality in its distribution irreversibly influences the structure, the nature of the city, and the class segregation of the urban neighborhoods and faces urban management with serious challenges. The investigation and identification of the status of distribution of services and facilities in the city is one of the interventions that can be considered as the criterion for urban management in the distribution of income and reducing the gap created between the poor and the rich, especially in metropolitan areas. This study examines the spatial distribution of urban services in Mashhad with the aim of measuring spatial justice.

Methodology The current research is applied in terms of objective and descriptive-analytical in terms of type. The method of data collection was documentary and library and the fuzzy model was used. Statistics and research indicators are the status of distributions of service usage in 13 districts of Mashhad, which has been obtained from a detailed plan.

Findings The results of the analyses indicated that approximately 10,381 hectares, equivalent to 30% of the city area, suffers from inadequate and relatively inadequate quality in accessing a variety of services; in this regard, districts 1, 11, and Samen were more appropriate than other districts. Also, districts 7, 6, and 2 lack the minimum zones with very good access to the services.

Conclusion Inequity in the distribution of public services is higher than the access index.

Keywords Spatial Justice; Public Service; Accessibility; Fuzzy Model; Mashhad Metropolis

CITATION LINKS

[Bakhtiari S; 2000] Justice and Development in Islamic ...; [Bashirieh H; 2003] An Introduction to the Philosophy of ...; [Chen X & Sun J; 2006] Sociological perspectives on urban China ...; [Cho CM; 2003] Study on effects of resident-perceived neighborhood ...; [Ettaat J & Mousavi SZ; 2011] The Relationship between Regional Security and ...; [Ezzatpanah B, et al.; 2015] Investigating the Distribution of Urban ...; [Fainstein SS; 2014] The just city ...; [Guthrie WKC; 1996] History of Greek Philosophy, Pythagoras ...; [Habibi M & Massaeli S; 2007] Urban use per capita, Tehran ...; [Hafeznia MR & Ghaderi Hajat M; 2016] Conceptualization of Spatial Justice ...; [Harvey D; 2003] Social Justice and the City ...; [Hatami Nejad H, et al.; 2008] Analysis of Social Inequalities in ...; [Healey P; 2003] Collaborative planning in ...; [Hewko JN; 2001] Spatial equity in the ...; [Jalili Marand A; 2018] On the Concept of Social Justice ...; [Kaphle I; 2006] Evaluating people's ...; [Lahsayi Zadeh A; 2002] Inequalities and Social Stratification ...; [Lefebvre H; 2001] Comments on a new state ...; [Lennon M & Fox-Rogers L; 2016] Morality, power and the ...; [Lotfi S & Koohsari M; 2009] Measuring objective accessibility ...; [Martínez J; 2009] The use of GIS and indicators ...; [Miller B & Nicholls W; 2013] Social movements in urban society: The city as a ...; [Mills S; 2003] Michel Foucault ...; [Mirsepassi A; 2017] Culture and Democracy ...; [Nazerzadeh Kermani F; 1997] Principles of Farabi's political philosophy ...; [Nicholls S; 2001] Measuring the accessibility and equity ...; [Omranzadeh B; 2015] Explanation of Space Justice ...; [Safari M, et al.; 2012] Using fuzzy TOPSIS method for ...; [Shankar R & Shah A; 2003] Bridging the economic divide ...; [Shariati A; 1991] Tehran: Amon Publications ...; [Tajbakhsh K; 2000] The promise of the city ...; [Talen E & Anselin L; 1998] Assessing spatial equity ...; [Talen E; 1998] Visualizing fairness: Equity maps ...; [Yusefi A & Varshoei S; 2011] Social inequality in Mashhad ...; [Zadeh LA; 1965] Fuzzy sets. Information and ...

ارزیابی و سنجش میزان دسترسی به خدمات عمومی با استفاده از مدل فازی؛ مطالعه موردی کلان‌شهر مشهد

احمد افسری MA

گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

سیدمسلم سیدالحسینی* PhD

گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

مریم دانشور PhD

گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

عمیدالاسلام ثقه‌الاسلامی PhD

گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

چکیده

اهداف و زمینه‌ها: از مهم‌ترین پیامدهای رشد شتابان شهرنشینی و توسعه کالبدی شهرهای کشور در دهه‌های اخیر از هم‌پاشیدگی نظام توزیع مراکز خدماتی شهر بوده که زمینه‌ساز نابرابری اجتماعی شهروندان در برخورداری از این خدمات شده است. خدمات عمومی شهری ساختار دهنده شکل و ماهیت کالبدی، اجتماعی و فضایی شهر است؛ بی‌عدالتی در نحوه توزیع آن، تأثیر جبران‌ناپذیری بر ساختار، ماهیت شهر و جدایی‌گزینی طبقاتی محلات شهر گذاشته و مدیریت شهری را با چالش‌های جدی روبرو می‌کند. بررسی و شناسایی وضعیت توزیع خدمات و امکانات در شهر، از جمله مداخلاتی است که می‌تواند به باز توزیع درآمد و کاهش فاصله ایجاد شده میان فقیر و غنی علل خصوص در کلان‌شهرها ملاک عمل مدیریت شهری قرار گیرد. این پژوهش بررسی توزیع فضایی خدمات شهری در شهر مشهد را با هدف سنجش عدالت فضایی موردبررسی قرار داده است.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر نوع توصیفی-تحلیلی بوده، شیوه گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای و تکنیک مورد استفاده روش فازی هست. آمار و شاخص‌های پژوهش وضعیت توزیع فواصل کاربری‌های خدماتی در سطح مناطق ۱۳ گانه کلان‌شهر مشهد بوده که از طرح تفصیلی اخذ گردیده است.

یافته‌ها: نتایج حاصل از تحلیل‌ها نشان می‌دهد حدود ۱۰۳۸۱ هکتار معادل ۳۰ درصد از مساحت شهر دارای کیفیت نامناسب و نسبتاً نامناسب در دسترسی به انواع خدمات هستند، در این بین وضعیت مناطق ۱، ۱۱ و ۱۱ ثامن مناسب‌تر از سایر مناطق است. همچنین به ترتیب مناطق ۶، ۷ و ۲ فاقد حداقل پهنه‌هایی با قابلیت دسترسی خیلی خوب به خدمات هستند.

نتیجه‌گیری: بی‌عدالتی در توزیع خدمات عمومی نسبت به شاخص دسترسی بیشتر است.

کلیدواژه‌ها: عدالت فضایی، خدمات عمومی، دسترسی، مدل فازی، کلان‌شهر مشهد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۰۱

نویسنده مسئول: smh_arc@yahoo.com

مقدمه

عدم تعادل فضایی یک مشکل برنامه‌ریزی به‌شمار می‌آید که به معنای وجود تفاوت‌های بارز بین ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی نواحی مختلف یک منطقه است. تفاوت‌هایی که نیاز به رویکردهای برنامه‌ریزی متفاوت در این نواحی دارد تا بتواند به

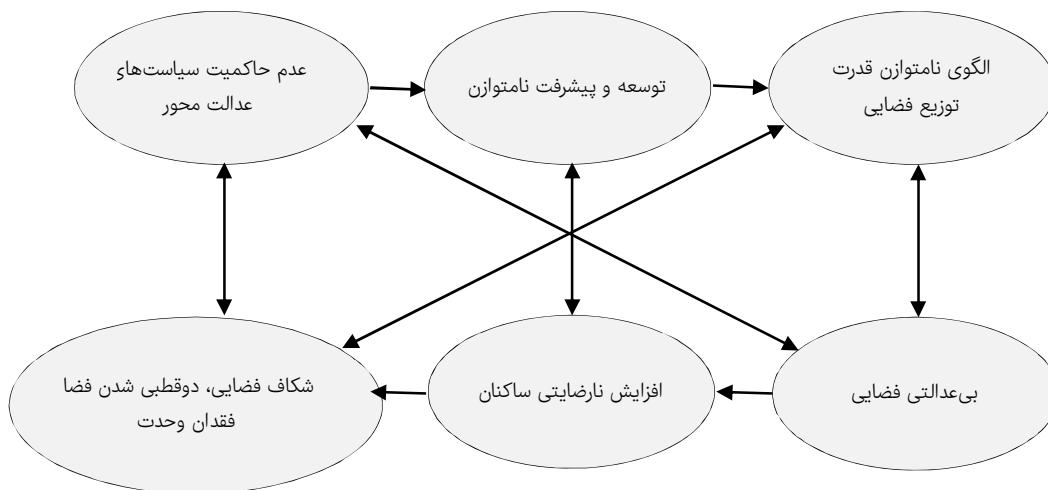
هدف ایجاد تعادل فضایی در یک منطقه دست یابد. مساله نابرابری در بسیاری از کشورها چالشی اساسی در مسیر توسعه است. این نابرابری‌ها، تهدیدی جدی برای حصول توسعه متعادل مناطق است و دستیابی به وحدت و یکپارچگی ملی را دشوار می‌نماید [Shankar & Shah, 2003]. افزایش فزاینده شهرنشینی، پیامدهای بسیاری را در جهان به همراه داشته است که از پیامدهای عمده آن، فقر، محرومیت و انواع نابرابری‌های فضایی است و شهرهای بسیاری از کشورهای کمتر و بیشتر توسعه‌یافته با آن روبرو شده‌اند. نابرابری در فضای شهری، حاصل دسترسی افتراقی نواحی شهر به منابع ارزشمند اجتماعی چون ثروت مادی، قدرت، منزلت و سرمایه فرهنگی است. معنای اولیه نابرابری به تمایز بین افراد اشاره دارد؛ به نحوی که بین زندگی آنها، به‌ویژه از نظر حقوق، فرصت‌های زندگی، پاداش‌ها و امتیازات، اختلاف آشکار و پنهان زیادی وجود داشته باشد [Yusefi & Varshoei, 2011]. در هر جامعه‌ای، نابرابری در مراتب مختلفی بروز می‌یابد و معمولاً در مناطق شهری، قشریندی و نابرابری اجتماعی بیش از مناطق روستایی دیده می‌شود [Chen & Sun, 2006:521]. همواره نابرابری فضایی به‌عنوان یک مشکل برنامه‌ریزی، زمانی بروز می‌کند که ساختار فضایی نواحی مختلف یک شهر دارای تفاوت‌های بارز و آشکاری باشند؛ تفاوت‌هایی که نیاز به تدوین راه‌حل‌های برنامه‌ریزی گوناگون در مورد نواحی مختلف داشته و جوابگوی هدف والای ایجاد برابری فضایی در یک شهر باشند، درک علل نابرابری فضایی در نواحی شهری مستلزم شناخت ساختار شهر و بررسی نقش نیروهای اثرگذار بر شکل‌گیری فضا و تفاوت‌های ماهوی نواحی گوناگون آن است [Harvey, 1996]. توسعه نابرابر در اشکال مختلف می‌تواند زمینه مناسبی را برای ایجاد متغیر موثر در امنیت شهرها و مولفه‌های پیدایش مناطق حیاتی در فضاهای سیاسی یک منطقه فراهم کند. چنین نظامی منجر به اختلال در منطقه و تعادل می‌شود و موجب ایجاد حاشیه‌های کمتر توسعه‌یافته می‌شود. در چنین شرایطی، حاشیه‌ها می‌توانند بیش از گذشته از بخش مرکزی دور شوند. در واقع، نابرابری می‌تواند موجب بی‌ثباتی سیاسی-امنیتی شوند و زمینه را برای ایجاد مناطق بحرانی فراهم کنند [Etaat & Mousavi, 2011].

عدم تعادل بین مناطق مختلف شهرها در تحولات توسعه شهری، پیامدهای مضر بسیاری را به دنبال دارد. باعث افزایش نارضایتی اجتماعی-اقتصادی، ادامه حاشیه‌سازی و روند مهاجرت، افزایش اختلاف و فرآیند گریز از مرکز در مناطق مختلف، افزایش احساس تبعیض و شکاف طبقاتی، گسستن پیوندهای ذاتی بین بخش‌های مختلف اقتصادی و مناطق مختلف شهر، توزیع نامتعادل جمعیت و غیره، است (شکل ۱).

از این رو ضرورت پرداخت به موضوع عدالت فضایی با توجه به فضای ایجادشده بیش‌ازپیش نیازمند توجه است. مطالعاتی که تاکنون بر روی ارزیابی عدالت فضایی در توزیع خدمات عمومی

نرم‌افزار GIS سعی در ارایه شاخص یکپارچه از عدالت فضایی داشته‌اند. لطفی و کوهساری [Lotfi & Koohsari, 2009] در پیوهش خود با عنوان "سنجش قابلیت دسترسی به خدمات محلی در شهر تهران" با دزنظرگرفتن دو رویکرد برابری فرصت‌ها و عدالت نیاز مبنا به بررسی خدمات آموزشی، تجاری و فضای سبز در مقیاس محله با استفاده از روش مجموع حداقل فواصل پرداخته‌اند و به‌منظور ارزیابی عدالت در توزیع خدمات محلی از رویکرد مبتنی بر نیاز و شاخص دسترسی استفاده نموده‌اند.

صورت گرفته، باوجود ضرورت اهمیت مساله اولاً اندک بوده ثانیاً فاقد یک چارچوب نظری مطلوب و انتخاب روشی مناسب جهت ارزیابی پرداخته‌شده است و در بیشتر موارد مفهوم سرانه کاربری را برای دستیابی ساکنین به خدمات شهری ملاک قرار داده‌اند. در این بین تالن و انسلین [Talen & Anselin, 1998] در سنجش شاخص یکپارچه دسترسی محور در ارتباط با عدالت فضایی در خدمات عمومی شهری در یکی از شهرهای تایوان، با توجه به جنبه‌های روش‌شناختی و استفاده از تکنیک آنالیز فضایی و



شکل ۱) همبستگی بین سیاست‌های بی‌عدالتی و شکاف فضایی [Hafeznia & Hajat, 2016: 55]

پژوهش حاضر با سنجش شاخص‌های پژوهش سعی می‌کند مناطق مختلف شهر مشهد را به کمک مدل فازی به لحاظ میزان بهره‌مندی از شاخص دسترسی، سطح‌بندی، مورد بررسی و مقایسه قرار دهد تا بدین وسیله بتوان مسیر مناسبی در راستای تعادل بخشی به ارکان توسعه شهر ارایه نمود.

عدالت و روند تکاملی آن

اصطلاح عدالت که احتمالاً برای اولین بار در یونان استفاده شد، برابر با کلمه دایک (Dike) و به معنای راه است و در زبان انگلیسی به عدالت و حق ترجمه شده است [Nazrzadh, 2000: 308]. این واژه در ادبیات یونان باستان همراه با رشد جمعیت، طوری تعریف شد که هر فرد در طبقه خودش بتواند به آن عمل کند؛ به‌عبارت‌دیگر، براساس شرایط خاص زمان و مکان و همچنین نگرش‌های مختلف فلسفی و دیدگاه‌های جهانی، تعریف متفاوتی از عدالت ارایه می‌شود [Bakhtiari, 2000: 72]. فیثاغورث، تحت تاثیر آیین زرتشت و فرهنگ و زبان ایرانیان، در مورد قانون برتر خداوند به نام عدالت سخن می‌گوید و معتقد است که قوانین انسانی باید براساس آن تشکیل شوند [Guthrie, 1996: 185-191]. محققان رومی مانند "سیسرو"، تحت تاثیر اندیشه‌های استوکی و محققان قرون وسطی، معتقدند که عدالت و قوانین طبیعی به‌عنوان یک مورد برتر یا واقعیت، تحت تاثیر محققان مسلمان مانند فارابی و ابن

سینا قرار گرفته‌اند. از نظر او، عدالت یک قانون طبیعی است که در همه‌جا یکسان، غیرقابل تغییر و ابدی است و به همه دولت‌ها مربوط می‌شود. طبق باور دانشمندان در عهد رنسانس نیز، عقل راه حل را سازش با دیگران، توجه به عدالت و احترام به پیمان‌ها می‌داند و پیمان مفهوم عدالت است [Hafeznia & Ghaderi, 2016: 34]. با این وجود برای مفهوم عدالت، علل خصوص جریان‌های فکری متاخر تاکنون صورت‌بندی‌ها و دیدگاه‌های مختلفی ارایه شده است برای مثال تاکید رالز بر اهمیت عدالت، در ذیل ارزش آزادی و فردگرایی معنا و مفهوم می‌یابد و در بیان نظریه عدالت خویش مؤکداً تصریح می‌کند که اصل نخست که بالاترین اولویت را در تعریف عدالت دارد، اصل آزادی است؛ فردریش فون هایک، اساساً ایده عدالت را به خاطر امکان تحدید آزادی، زیر سؤال می‌برد و آن را سراب می‌خواند. به‌نظر می‌رسد، عدالت اجتماعی از دیدگاه هایک عبارت است از: کنترل نظم اقتصادی و تنظیم آزادی توزیع ثروت برای چیره‌شدن نابرابری اقتصادی (پایبندی کامل به آزادی فردی به ویژه در مسایل اقتصادی) [Jalili et al, 2018: 179]. کارل پوپر نیز، با استعانت از نظریه جامعه باز، به استقبال از اصالت آزادی به‌عنوان متغیر کانونی در هر نظریه سیاسی می‌رود. به عقیده پوپر، اگر قرار باشد افزون بر آزادی، "دمکراسی اقتصادی" (عدالت اجتماعی) نیز ایجاد شود، همین "آزادی صوری محض" تنها ابزار تحقق آن است.

اسلامی در بر آزادی فطری، ارتقا وضعیت فقرا، جلوگیری از اسراف اغنیا تاکید می‌ورزد [Lahsayi Zadeh, 2002]. علی شریعتی تاکید بر نظریه برابری طبقاتی، نفی استثمار فرد از فرد و طبقه از طبقه نفی تضاد و تبعیض اقتصادی، حقوقی و اجتماعی دارد [Shariati, 1983]. به نظر می‌رسد بُعد جدیدی که این متفکران در مقایسه با اندیشمندان غربی، در باب عدالت مطرح می‌کنند، بُعد کرامت انسانی است. استناد اندیشمندان مسلمان به عبارت «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» نشان‌دهنده تاکید ایشان بر کرامت ذاتی انسان‌هاست. اشاره علامه طباطبایی بر آزادی‌های فطری نیز ظاهراً از این جنس است. هر یک از این دو مکتب فکری که در تعریف عدالت مشاهده شد، در تعریف "عدالت فضایی" نیز پیروانی دارند. کسانی نظیر هاروی و سوگا به اندیشه‌های نظریه پردازانی چون هابرماس، لفور و فوکو رجوع می‌کنند. حال آنکه کسانی نظیر فیشتاین دیدگاه‌های لیبرالیستی را در تعریف شهر عادلانه به کار می‌گیرند [Omranzadeh, 2015: 94]. قدر مسلم آن است که دو مفهوم حق و آزادی به طور جدی مورد تاکید گروه‌های مختلف نظریه‌پرداز عدالت واقع شده‌اند؛ اما آنچه در نظریات شرقی (عمدتاً مسلمان) فراتر از اندیشمندان غرب مورد تاکید قرار گرفته، بیش از هر چیز توجه به مفهوم کرامت انسانی است.

عدالت فضایی در توزیع خدمات عمومی شهری

برنامه‌ریزان شهری و اجتماعی در قلمرو عدالت اجتماعی، عدالت سرزمینی و عدالت فضایی تحقیقات زیادی انجام داده‌اند و توجه بسیاری به توزیع تسهیلات و خدمات در درون شهرها داشته‌اند. اساس تاکید آنها بر ارزیابی چگونگی توزیع عادلانه و منصفانه تسهیلات در شهر بوده است. اساساً، عدالت، تخصیص بی‌طرفانه خدمات معنا می‌شود. البته این تعریف مبهم است و در واقع تعریف مفهومی عدالت، بسیار مشکل است [Cho, 2003: 29]. سازمان‌دهی فضا یکی از ابعاد تعیین‌کننده جوامع انسانی و بازتاب وقایع اجتماعی و محل تجلی ارتباطات اجتماعی است. هدف از عدالت فضایی توزیع عادلانه نیازهای اساسی امکانات، تسهیلات و خدمات عمومی در میان محلات و مناطق مختلف شهر است. به نحوی که هیچ محله یا منطقه‌ای نسبت به منطقه‌ای یا محله دیگر از نظر برخورداری برتری فضایی نداشته باشد و اصل دسترسی برابر رعایت شده باشد؛ به‌علاوه از لحاظ سرانه برخورداری با توجه به میزان جمعیت در هر منطقه از شهر اختلاف زیادی وجود نداشته باشد [Harvey, 2003: 106]. از این رو تجزیه و تحلیل برهم‌کنش بین فضا و اجتماع در فهم بی‌عدالتی‌های اجتماعی و نحوه تنظیم سیاست‌های برنامه‌ریزی برای کاهش یا حل آنها ضروری است. مفهوم عدالت فضایی باعث به‌وجود آمدن چندین دیدگاه در حوزه علوم اجتماعی شده است. بر این اساس دیدگاه اول روی موضوع توزیع مجدد و دیگری بر فرآیندهای تصمیم‌گیری متمرکز می‌شود. دیدگاه اول شامل پرسش از موضوعاتی درباره توزیع فضایی و تلاش برای رسیدن به یک توزیع جغرافیایی برابر متناسب با خواسته‌ها و نیازهای جامعه همچون دسترسی به تمام

آنچه مسلم است اندیشمندان نظیر پوپر، راولز و هایک بیش از هر چیزی دغدغه قربانی‌شدن مفهوم آزادی در سایه توجه بیش‌ازحد به عدالت را داشته‌اند. به همین جهت وجه مشترک جامعه باز پوپر، اصول نظریه عدالت به‌مثابه انصاف راولز و نیز عدالت‌گرایی هایک، در اهمیت‌دادن و اصالت بخشی به دموکراسی، آزادی و مشارکت است [Omranzadeh, 2015]. اما در مقابل اندیشمندان همچون هابرماس هستند که در نظریات خود نگران حقوق افراد در عرصه عمومی است و مفاهیم عقلانیت، حق‌گویی و مردم‌سالاری را پیش کشیده است. فرض او بر این است که از طریق گفتمان، شرکت‌کنندگان در یک تصمیم‌گیری به بهترین تصمیم خواهند رسید که از بهترین استدلال نشأت گرفته است و به همین جهت اخلاقیات گفتمان را مطرح می‌کند [Healey, 2003].

فوکو دغدغه تهدید حقوق توسط قدرتمندان را دارد. از دیدگاه فوکویی، "قدرت" است که به‌سادگی کنترل دیگران توسط یک فرد یا گروه را به عهده می‌گیرد. در واقع، به نظر فوکو به طور خاص قدرت از آن روش‌های متمایز است که با ارزیابی لیبرال، روانکاوی یا مارکسیستی الهام گرفته می‌شود. قدرت به‌عنوان یک نیروی فراگیر ذاتی به تمام روابط انسانی تأثیر می‌گذارد. این رویکرد نشان می‌دهد که قدرت ذاتی در همه چیز به روابط اجتماعی برمی‌گردد. به این ترتیب، یک دیدگاه فوکویی بر آن است که "قدرت، همیشه وجود دارد" [Lennon & Fox-Rogers, 2016: 4]. فوکو چنین استدلال نمی‌کند که تمام روابط اجتماعی تقلیل به روابط قدرت هستند. در عوض، او به‌سادگی نشان می‌دهد که قدرت کیفیت ذاتی از چنین رابطه‌ای است. نکته مهم، در چالش فرضیه سرکوب قدرت صرفاً به‌عنوان یک نیروی سرکوبگر مهار آزادی بیان شده است که به فهم عمیق‌تری از نفوذ قدرت اشاره می‌کند [Mills, 2003: 36] و مشخص‌تر از همه لفور به مفهوم حق به شهر تصریح دارد. برای لفور، حق به شهر، به‌عنوان بالاترین شکل حقوق است. در حالی که شهروندان به صورت فزاینده‌ای از فرآیندهای تصمیم‌گیری منحرف شده‌اند آنچه را که وی، کار عمده یا مشارکت در ایجاد شهر می‌نامد یک مبارزه خلاقانه ضروری از تفاوت‌ها بر سر شکل‌دادن شهر است [Lefebvre, 2001]. با این حال، میلر و نیکولز مدعی هستند که دستیابی به قدرت و حقوق شهروندی در شهر در مفهوم اصلی آن به معنای وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف سیاسی گسترده‌تر است [Miller & Nichols, 2013: 453]. نکته حایز اهمیت در میان این دسته از اندیشمندان (همچون هابرماس، لفور و شاید فوکو)، دغدغه اصلی شناخت و تقابل با ساختار قدرتی است که شهروندان را از حقوق انسانی و شهروندی منع می‌کند [Omranzadeh, 2015: 93].

مرور دیدگاه‌های اندیشمندان شرقی [Tajbakhsh, 2000; Bashirieh, 2003; Mirsepasi, 2017] نیز نشان می‌دهد که ایشان بر دو موضوع "آزادی" و "حق" تاکید دارند. به‌عنوان نمونه علامه طباطبایی در تعریف خود در ارتباط با عدالت در جامعه

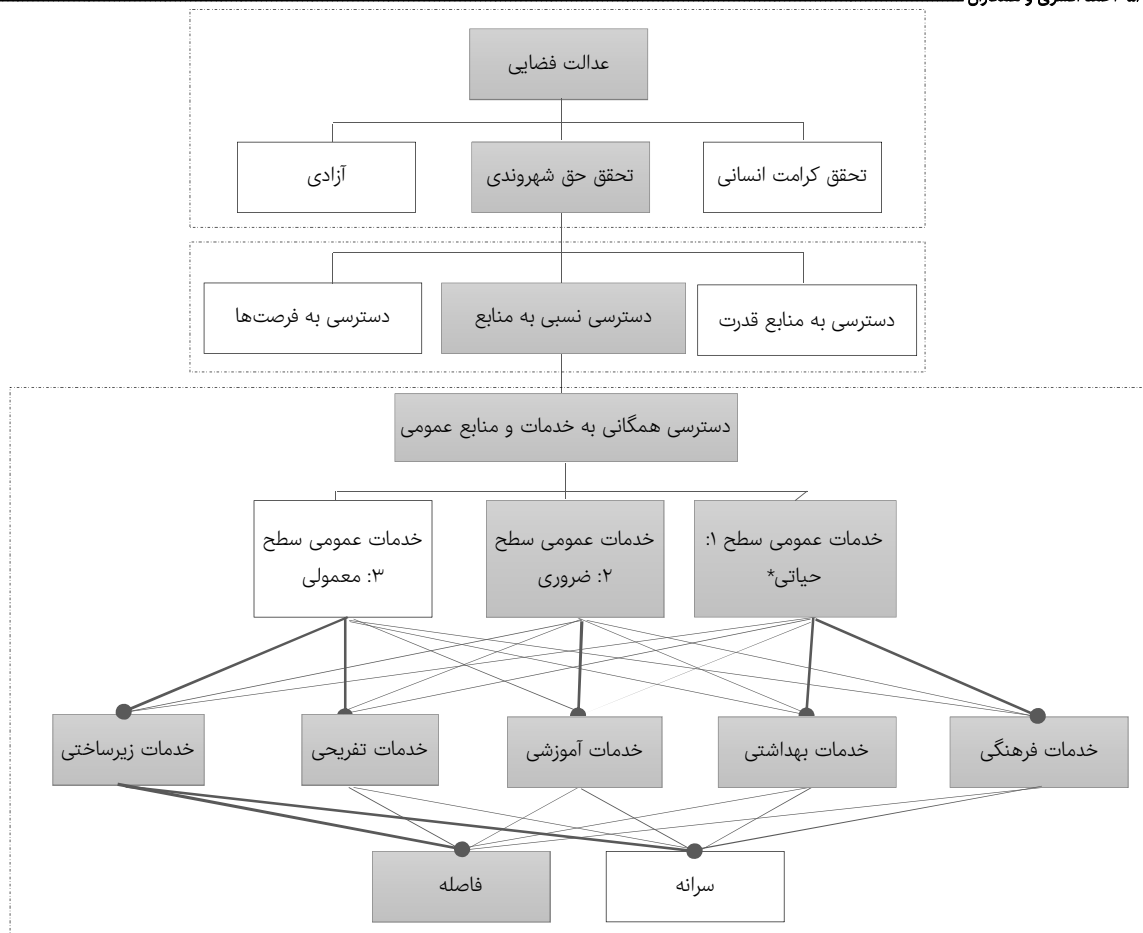
اقتصادی‌تر است (مثل شعاع خدمات‌رسانی و فاصله از خدمات). برنامه‌ریزان باید آگاه باشند که نتایج این دو روش همواره یکسان نیست [Lotfi & koohsari, 2009: 134]. لذا مهم‌ترین معیار برای تحلیل وضعیت عدالت فضایی در شهر، چگونگی توزیع خدمات عمومی شهری است. برنامه‌ریزان شروع‌کننده استفاده از سنجش دسترسی به عنوان روشی برای ارزیابی قابلیت دسترسی و کیفیت خدمات عمومی و عادلانه‌بودن توزیع آنها، به‌عنوان مثال پارک، خدمات تفریحی، حمل‌ونقل و خدمات درمانی در سطح همسایگی بوده‌اند. خدمات عمومی باید صرف نظر از مکانشان، با وجود محدودیت‌ها و منابع مالی یا توانایی فیزیکی افراد، به‌آسانی در دسترس آنها قرار گیرد. هر چند که توزیع خدمات بیش از همه تابع مناسبات کاربری اراضی و قابلیت دسترسی است تا اینکه برآوردکننده نیاز و دسترسی ساکنین در ناحیه‌های شهری باشد [Kaphle, 2006: 2].

دسترسی ساکنین به منابع و خدمات عمومی شهری یکی از مهم‌ترین عناصر کیفیت زندگی است. نزدیک‌بودن فیزیکی به خدمات با افزایش فرصت‌های در دسترس ساکنین و بالابردن ارزش واقعی کاربری مسکونی و صرفه‌جویی در هزینه‌های سفر ساکنین، تاثیر قابل توجهی در رفاه ساکنین دارد [Cho, 2003: 30]. در راستای رسیدن تمامی ساکنان شهرها به نیازهایشان به صورت یکسان، مبحث عدالت اجتماعی در فضای شهری به‌وجود می‌آید که مطابق با آن تمامی مصرف‌کنندگان برای رفع نیازهای خود به یک اندازه و به نحوی برابر، به امکانات و خدمات دسترسی داشته باشند. از این رهگذر می‌توان دریافت که توزیع بهینه خدمات شهری از مهم‌ترین نشانه‌های عدالت اجتماعی به‌شمار می‌رود [Ezzatpanah et al, 2014: 51]. ارزیابی دسترسی و عادلانه‌بودن توزیع، از شاخص‌های اساسی هستند که به طور گسترده‌ای برای سنجش کارکرد بهینه مدیریت شهری به کار گرفته می‌شود [Nicholls, 2001: 207]. البته ضروری است که به تمایز بین دسترسی و عدالت شرح داده‌شده به وسیله منصفانه‌بودن فرصت‌ها در تخصیص خدمات اشاره شود. دسترسی به کارایی توزیع خدمات شهری به صورت یکنواخت‌تر تا آنجا که حداکثر دسترسی امکان‌پذیر باشد، تاکید دارد؛ در حالی که عدالت بیشتر به تاثیرات مثبت و منفی توزیع منابع و خدمات عمومی بر مردمی که می‌توانند از آنها استفاده کنند، تاکید دارد [Cho, 2003: 30-31]. برخی از پژوهش‌ها در پی کشف ارتباط بین دسترسی و عدالت در توزیع و دریافت خدمات بوده‌اند، افرادی مثل لیندزی و همکاران [Lindsey et al, 2001] می‌توان نام برد. در این پژوهش‌ها دسترسی به عنوان نمایشگر عدالت در توزیع خدمات مورد استفاده قرار گرفته است [Cho, 2003: 30]؛ همانطور که در طرح شماتیک شکل ۲ نمایش داده شده است، دو مفهومی که به طور اساسی در دسترسی کاربرد دارند، ارزیابی توزیع فضایی و الگوی فضایی خدمات عمومی هستند [Talen, 1998: 596].

تسهیلات و خدمات است. این دیدگاه در مناطقی که حرکت به سمت عدالت فضایی با مشکلات زیادی از جمله فقر، تبعیض یا محدودیت‌های سیاسی همراه شده است، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند [Fainstein, 2014]. دو محور برجسته در عدالت فضایی که بر آنها تاکید می‌شود، چگونگی وضعیت زندگی (هر دو محیط اجتماعی و فیزیکی) و توزیع فرصت‌ها (دسترسی به زیرساخت‌های اجتماعی- فیزیکی) است [Martnez, 2009: 390]. برخی عدالت فضایی را فقط دسترسی برابر به تسهیلات عمومی اساسی تعریف کرده‌اند و معیار سنجش عدالت هم میزان فاصله از خدمات بوده است، مثل دسترسی به مدرسه، مراکز بهداشتی یا مراکز فرهنگی. برخی تحقیقات دیگر هم عدالت فضایی را توزیع یکسان خدمات براساس نیازها، سلايق، اولویت‌های ساکنین و استانداردهای خدمات‌رسانی تعریف کرده‌اند. از آنجا که تسهیلات و خدمات به صورت واحدهای مجزا مکان‌یابی می‌شوند، در حالی که مردمی که از آنها استفاده می‌کنند به طور فضایی پیوسته هستند، به ناچار دسترسی‌های مغایر درون‌شهری را موجب می‌شوند؛ به عبارت دیگر صرف نظر از جایی که تسهیلات مکان‌یابی می‌شوند، همیشه افرادی هستند که نسبت به دیگران به آنها نزدیک‌ترند؛ بنابراین برنامه‌ریزان در پی حل این مساله بوده‌اند که در الگوی مکان‌یابی خدمات و تسهیلات ایجادشده و نحوه توزیع آنها، چه میزان نابرابری به‌وجود آمده و چه گروه‌هایی بیشتر محروم شده‌اند. اختلاف دسترسی به خدمات می‌تواند عملی باشد که نابرابری‌های اجتماعی درون جامعه را افزایش یا کاهش دهد. تالن و انسلین معتقدند که برای تحلیل عدالت فضایی، بایستی بر مقایسه توزیع مکانی تسهیلات و خدمات عمومی با توزیع مکانی گروه‌های مختلف اقتصادی اجتماعی تاکید بیشتری صورت پذیرد [Talen & Anselin, 1998: 598]. از نقطه نظر جغرافیایی، عدالت اجتماعی شهر مترادف با توزیع فضایی عادلانه امکانات و منابع بین مناطق مختلف شهری و دستیابی برابر شهروندان به آنهاست زیرا عدم توزیع ناعادلانه آنها به بحران اجتماعی و مشکلات پیچیده فضایی خواهد انجامید [Hatami Njejad et al, 2008: 72].

مفهوم دسترسی در سنجش و تحلیل عدالت فضایی در توزیع خدمات عمومی شهری

مفهوم دسترسی از جنبه‌های گوناگون گسترده است مانند دسترسی فیزیکی، روانی، اقتصادی که می‌تواند وابسته به ماهیت کاربری اراضی شهری و شبکه حمل‌ونقل باشد. همچنین می‌توان آن را توانایی ساکنین شهر در برخورداری از منابع و خدمات مورد نیاز نیز تعریف نمود. در یک نگاه کلی، کیفیت دسترسی می‌تواند براساس عوامل عینی و ذهنی با استفاده از داده‌های کیفی و کمی سنجیده می‌شود. ارزیابی ذهنی معمولاً شامل مطالعات میدانی مثل پرسش‌نامه و مصاحبه به‌منظور درک تمایلات ساکنان شهر و تصور فضایی آنها (مثل رضایت ساکنین از دسترسی به خدمات) است. در ارزیابی عینی معمولاً شاخص کمی استفاده می‌شود و



شکل ۲) تبیین شاخص‌ها برای سنجش مفهوم عدالت فضایی (مدل مفهومی تحقیق)

فازی" که اساس نظریه تجزیه و تحلیل سیستم‌های پیچیده است معرفی شد که در آن "زبان طبیعی" به جای متغیرهای عددی برای تشریح رفتار و عملکرد سیستم به کار می‌رود [Zadeh, 1965]. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر نوع توصیفی-تحلیلی بوده و شیوه گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای از جمله استفاده از طرح جامع (مشاور فرهاد) و حوزه‌های مختلف طرح تفصیلی شهر مشهد است. آمار و شاخص‌های پژوهش مربوط به سرانه کاربری‌های خدماتی در سطح مناطق شهری مشهد نیز از طرح تفصیلی اخذ شده است.

یافته‌ها

بررسی وضعیت عدالت فضایی در کلان‌شهر مشهد

همان‌گونه که در بخش‌گزینه‌ش تکنیک نیز عنوان شد، با نظر به نسبی بودن کیفیت دسترسی به خدمات و تعریف شعاع حداقل و حداکثر برای دسترسی به آنها، از مدل فازی برای ارزیابی پراکنش انواع خدمات شهری براساس معیار دسترسی در راستای سنجش وضعیت عدالت فضایی بهره گرفته شده است. مطابق فرآیند پژوهش اولین گام در استفاده از مدل فازی، جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز مدل است. با توجه به پیاده‌سازی مدل فازی در

روش‌شناسی

برای انتخاب تکنیک مناسب، انواع مدل‌های استفاده شده در منابع علمی و مقالات مرتبط مورد بررسی قرار گرفت که از جمله آنها می‌توان به مدل تاپسیس، شاخص موران، ضریب جینی، منحنی لورنز، شاخص ویلیامسون، مدل موریس، ضریب آنتروپی و غیره نام برد. مدل‌های فوق بیشتر مدل‌های تصمیم‌گیری، رتبه‌بندی، سنجش سطح برخورداری، رفاه و کیفیت توزیع و تراکم خدمات هستند که گاهی به اشتباه برای سنجش عدالت اجتماعی و فضایی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. صرف وجود یک خدمت در یک منطقه مصداق رعایت عدالت در توزیع فضایی آن خدمت نمی‌تواند باشد، بلکه کیفیت توزیع و مکان‌گزینی خدمات و رعایت اصل دسترسی مناسب به آنها، جزء اساسی‌ترین اصول عدالت فضایی هستند. با نظر به تعریف پیشینه و کمینه شعاع خدمات‌رسانی انواع خدمات در استانداردهای تخصصی ارایه‌شده و نسبی بودن میزان دسترسی به خدمات شهری، بهترین روش در سنجش عدالت فضایی در توزیع خدمات براساس معیار دسترسی باشد. امروزه دنیای واقعی ما بسیار پیچیده‌تر از آن است که بتوان یک توصیف و تعریف تقریبی یا همان فازی که قابل قبول و تجزیه‌پذیر باشد، معرفی شود. منطق فازی اولین بار توسط لطفی‌زاده [Safari, 2010: 327] با معرفی مفهوم "مجموعه

برای شش خدمات اساسی که شامل مساجد، آتش‌نشانی‌ها، کتابخانه‌ها، پارک‌ها، بیمارستان‌ها و مدارس می‌شود، از مطالعات طرح جامع مشهد (مشاور فرزه‌اد) استخراج و در ادامه بانک اطلاعات آن تکمیل شده است (جدول ۱).

بعد از جمع‌آوری و آماده‌سازی اطلاعات، گام بعد تهیه نقشه‌های فاصله از هر فعالیت و فازی‌سازی آنها براساس استانداردهای شعاع خدمات‌رسانی به تفکیک هر یک از خدمات است. جدول ۲ استانداردهای شعاع خدمات‌رسانی انواع خدمات را نشان می‌دهد.

قالب نرم‌افزار Arc GIS، اصلی‌ترین اطلاعات مورد نیاز در گام اول نقشه موقعیت نقطه‌ای خدمات است. با نظر به مشخص شدن انواع خدمات عمومی حیاتی، اضطراری و معمول در سطوح مختلف کالبدی شهر، مرحله بعد در دستیابی به شاخص‌های دقیق برای سنجش میزان عدالت فضایی در توزیع خدمات، تعیین متغیرهای مختلف خدمات برای اندازه‌گیری وضعیت فضایی آنها و فراهم‌نمودن امکان مقایسه بین سطوح با استفاده از شاخص‌های خرد و جزیی است. بر این اساس آخرین اطلاعات مکانی موجود

جدول ۱) طبقه‌بندی انواع خدمات عمومی در سطوح کالبدی شهر [Habibi & Massaeli, 2007]

کلاسه	واحد مسکونی	محله	ناحیه	منطقه	شهر
خدمات حیاتی	مسکن، آب سالم	مرکز بهداشت، مسجد، سیستم جمع‌آوری و دفع زباله	آتش‌نشانی، اورژانس	بیمارستان عمومی	مسجد جامع، گورستان
خدمات ضروری	برق، گاز، تلفن شهری	کودکستان، دبستان، راهنمایی، بوستان، کتابخانه محله، جایگاه سوخت، تلفن عمومی، شبکه فاضلاب، روشنایی معابر	دبیرستان، درمانگاه، سالن ورزش، کتابخانه عمومی، پارک	هنرستان، سینما، پارک، بزرگراه	دانشگاه، بیمارستان تخصصی، مسافرخانه، کتابخانه مرکزی، مصلی، اتوبان
خدمات معمول	-	ایستگاه اتوبوس، ایستگاه مترو، ایستگاه مترو، ایستگاه تاکسی، بانک، پوشش معبر	پارکینگ عمومی، پایانه اتوبوس‌رانی	فرودگاه، پایانه مسافری، موزه، هتل، ورزشگاه	-

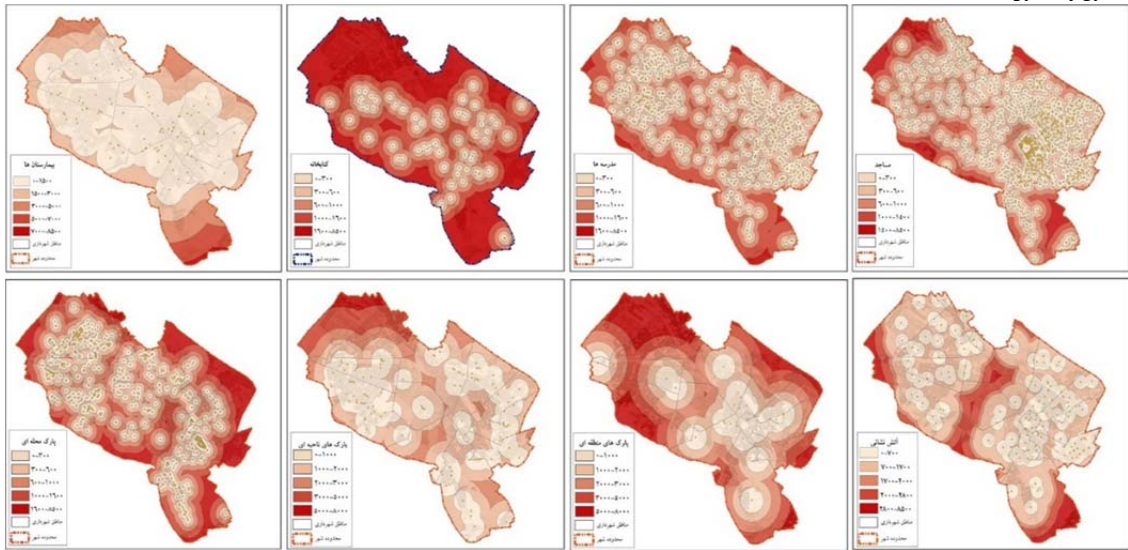
همان گونه که در نقشه‌های فازی و طبقه‌بندی شده مشهود است، از بین خدمات مورد بررسی به ترتیب مسجد و مدارس از پراکنش و دسترسی نسبتاً مناسبی در کل مناطق شهر مشهد برخوردار هستند؛ در مقابل کتابخانه و پارک در دو مقیاس ناحیه و منطقه از توزیع و دسترسی مناسبی برخوردار نبوده و پهنه وسیعی از شهر خارج از شعاع استاندارد رسانی این خدمات است. برای ارزیابی کلی شهر براساس کیفیت دسترسی خدمات، نیازمند تجمیع و طبقه‌بندی مجدد تمامی لایه‌های مورد بررسی هستیم. در این مرحله وزن‌دهی خدمات براساس نوع خدمات از نظر حیاتی، ضروری و معمولی بودن نیز اعمال شد (شکل ۵).

شکل ۶ وضعیت دسترسی به خدمات را در کلان‌شهر مشهد نشان می‌دهد. همان گونه که ملاحظه می‌شود، میزان دسترسی خدمات در مناطق مختلف شهر ناپایدار است. بررسی‌ها نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب شاخص دسترسی در برخی از مناطق شهر است. بخش اعظمی از خدمات مورد بررسی، علل خصوص مناطق تازه تاسیسی همچون حوزه‌های شمال غربی، دسترسی مناسبی به خدمات ندارند و به دلیل توسعه سریع شهر در این محدوده، خدمات به اندازه کافی شکل نگرفته است، همچنین این الگو نشان‌دهنده کیفیت مناسب دسترسی در حوالی مناطق مرکزی و غربی شهر است. نابسامانی و وضعیت نامطلوب در مناطق حاشیه‌ای شهر نیز کاملاً مشهود به نظر می‌رسد (شکل ۷؛ جدول ۴).

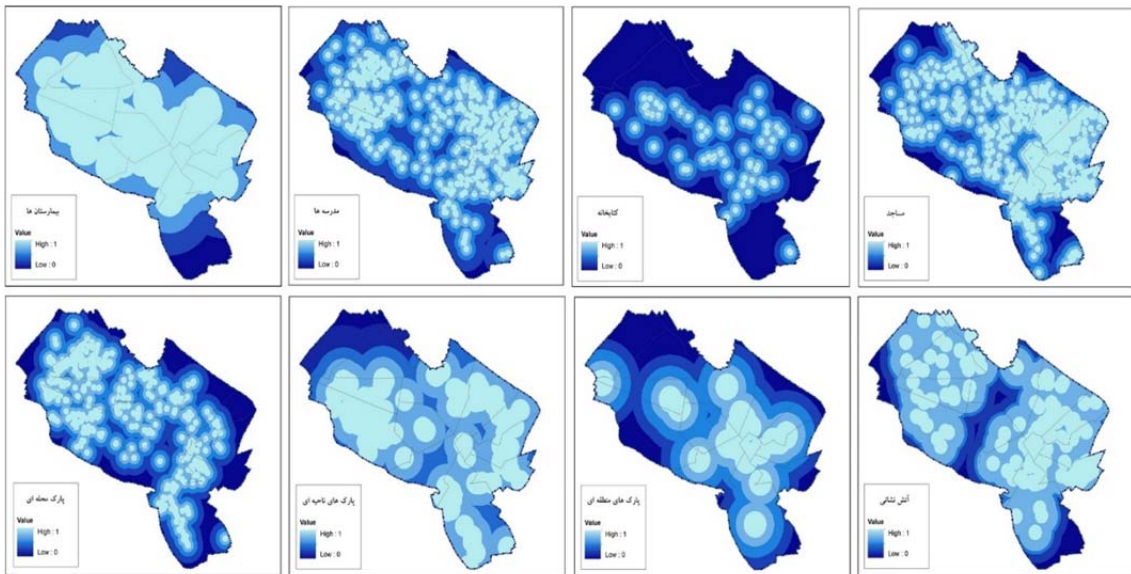
جدول ۲) استاندارد شعاع خدمات‌رسانی انواع کاربری‌های خدماتی [Habibi & Massaeli, 2007]

ردیف	عنوان خدمات	شعاع خدمات‌رسانی (متر)	
		کمینه	بیشینه
۱	دبستان	۴۰۰	۸۰۰
۲	راهنمایی	۱۰۰۰	۲۰۰۰
۳	دبیرستان	۱۲۰۰	۲۰۰۰
۴	بیمارستان	۱۰۰۰	۱۵۰۰
۵	بوستان محله‌ای	۵۰۰	۱۰۰۰
۶	بوستان ناحیه‌ای	۲۰۰۰	۳۰۰۰
۷	بوستان منطقه‌ای	۵۰۰۰	۷۰۰۰
۸	محل	۵۰۰	۱۰۰۰
۹	ناحیه‌ای	۱۰۰۰	۱۶۰۰
۱۰	منطقه‌ای	۱۵۰۰	۵۰۰۰
۱۱	آتش‌نشانی	۲۰۰۰	۳۰۰۰
۱۲	مذهبی	۲۰۰	۵۰۰

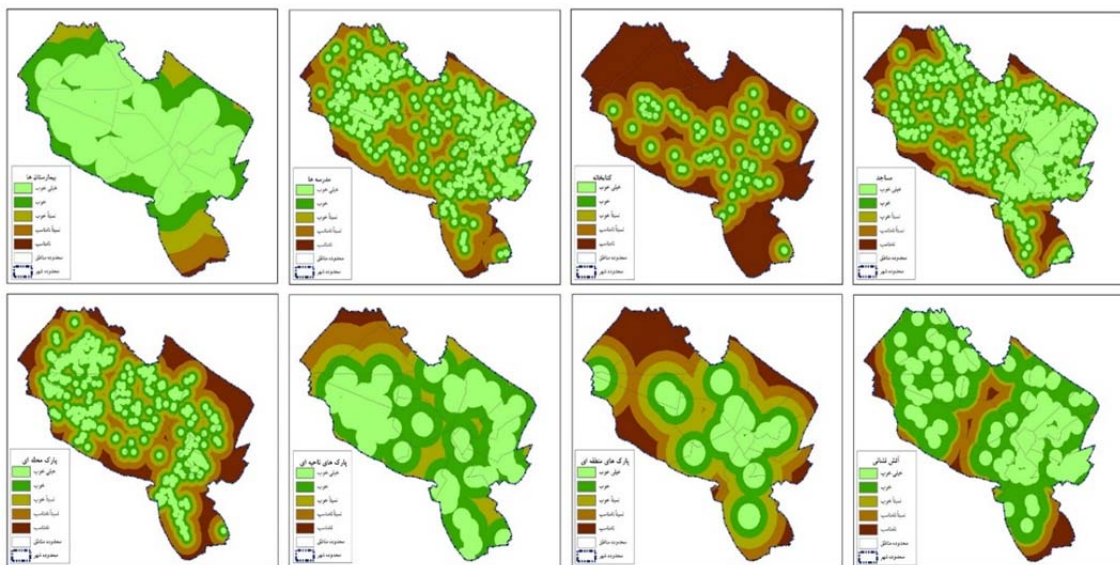
در ادامه پس از تنظیم روابط فازی براساس استانداردهای فوق، برای هر یک از کاربری‌ها به ترتیب نقشه فاصله از خدمات و فازی‌شده هرکدام از آنها تهیه شد که در شکل‌های ۳ و ۴ نمایش داده شده است. همچنین از آنجا که مقدار عضویت هر نقطه در شعاع مورد بررسی رقمی بین صفر و یک است، کلاس‌بندی این طیف به شرح جدول ۳ انجام شده است. سپس نقشه‌های فازی به‌دست آمده، براساس جدول ۳ طبقه‌بندی شدند.



شکل ۳) موقعیت کاربری‌های هدف و فاصله از خدمات در بین مناطق شهر مشهد

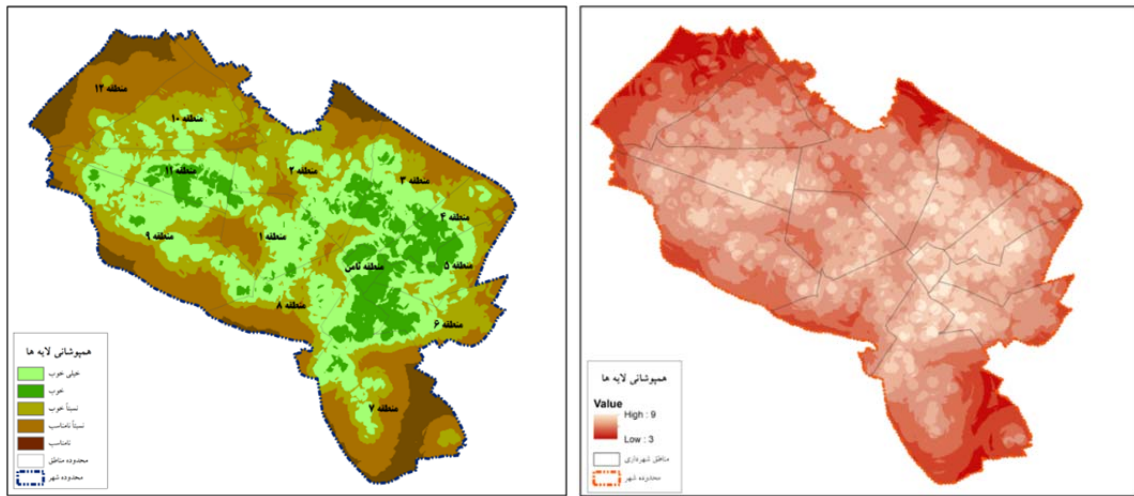


شکل ۴) نقشه‌های فازی شده فاصله از خدمات در بین مناطق شهر مشهد



شکل ۵) نقشه‌های فازی طبقه‌بندی شده در مناطق شهر مشهد

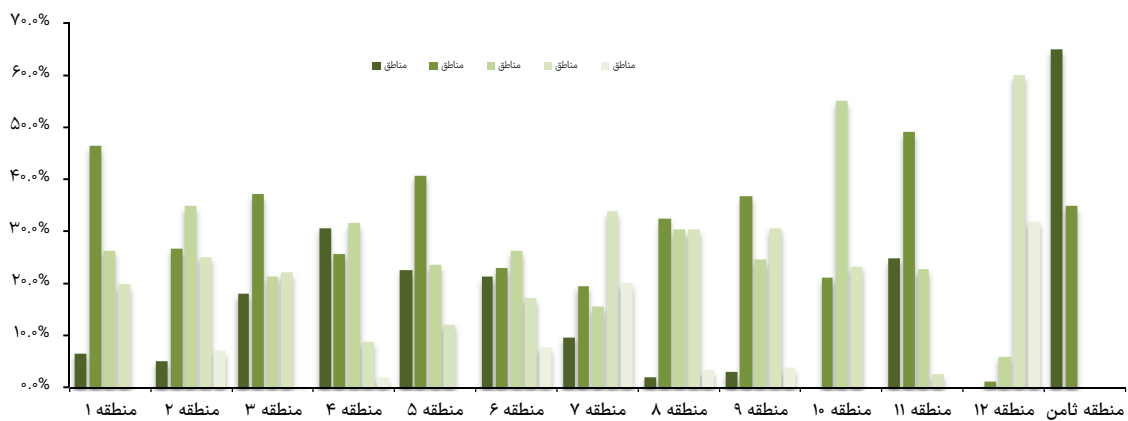
کلاس دسترسی	خیلی خوب	خوب	نسبتاً خوب	نسبتاً نامناسب	نامناسب
مقدار شاخص	۱۰/۹	۰/۷۵-۰/۸۹	۰/۵-۰/۷۴	۰/۲۵-۰/۴۹	۰-۰/۲۴



شکل ۶) وضعیت دسترسی کل خدمات شهر مشهد (فازی‌شده نهایی)

جدول ۴) انواع کلاس‌های دسترسی به خدمات در مناطق کلان‌شهر مشهد

نام منطقه	خیلی خوب		خوب		نسبتاً خوب		نسبتاً نامناسب		نامناسب	
	مساحت	% از منطقه	مساحت	% از منطقه	مساحت	% از منطقه	مساحت	% از منطقه	مساحت	% از منطقه
۱	۱۲۶۶۸۸۸/۳	%۶/۹	۸۵۵۰۳۶۷/۸	%۴/۱	۴۸۷۸۸۱۹/۲	%۲۶/۵	۳۷۰۲۹۳۶/۲	%۲۰/۱	۰/۰	۰/۰
۲	۲۰۶۴۲۴۴/۸	%۵/۳	۱۰۴۵۶۷۶۰	%۶/۷	۱۳۲۲۰۷۳۸	%۳۵/۱	۹۸۷۶۸۲۱/۲	%۲۵/۳	۲۸۹۳۶۳۸/۷	%۷/۴
۳	۴۱۳۳۱۴۵/۶	%۱۸/۲	۸۴۳۶۹۷۵/۲	%۱۳/۵	۴۹۰۹۰۴۷/۷	%۲۱/۷	۵۰۶۲۷۳۸/۶	%۲۲/۴	۸۸۲۷۰/۵	%۰/۴
۴	۴۱۹۴۳۹۱/۶	%۳۰/۹	۳۵۱۹۹۷۸/۸	%۱۳/۷	۴۳۲۲۰۰۵/۳	%۳۱/۸	۱۲۴۰۶۹۵/۳	%۹/۱	۳۱۰۱۷۳/۸	%۲/۳
۵	۳۰۰۹۹۶۹/۷	%۲۲/۹	۵۳۶۹۳۶۷/۸	%۹/۸	۳۱۱۹۸۲۹	%۲۳/۷	۱۶۳۲۷۱۶/۸	%۱۲/۴	۰/۰	۰/۰
۶	۳۳۲۷۸۲۴	%۲۱/۵	۳۵۶۸۱۵۶/۷	%۱۰/۸	۴۰۹۴۹۴۷/۶	%۲۶/۵	۲۶۹۲۴۹۵/۷	%۱۷/۴	۱۲۲۸۴۸۴/۳	%۷/۹
۷	۴۶۵۰۴۹۱/۲	%۱۰	۹۲۰۷۰۴۵/۵	%۱۵/۲	۷۳۶۴۹۷۳/۵	%۱۵/۸	۱۵۸۷۸۱۴۳۸/۹	%۳۴/۱	۹۴۶۲۹۰۳/۷	%۲۰/۳
۸	۴۷۲۵۰۱/۶	%۲/۳	۶۵۷۰۸۱۵/۸	%۱/۵	۶۱۵۵۱۶۲/۹	%۳۰/۶	۶۱۵۰۰۹۰	%۳۰/۶	۷۴۶۲۴۵/۳	%۳/۷
۹	۱۳۱۷۲۰۳/۷	%۳/۲	۱۵۰۰۳۶۸۲/۸	%۴/۳	۱۰۰۸۴۷۸۸/۳	%۲۴/۸	۱۲۵۲۱۴۶۷/۴	%۳۰/۸	۱۶۵۵۴۳۴/۷	%۴/۱
۱۰	۰/۰	۰/۰	۴۸۰۰۶۹۵/۹	۰/۰	۱۲۳۹۹۰۹۳/۱	%۵۵/۱	۵۲۹۳۳۹۰/۸	%۲۳/۵	۰/۰	۰/۰
۱۱	۴۱۸۷۴۲۹/۲	%۲۵	۸۲۲۷۴۶۱/۱	%۱۳/۶	۳۸۳۸۲۱۶/۷	%۲۳	۴۶۶۶۴۶	%۲/۸	۰/۰	۰/۰
۱۲	۰/۰	۰/۰	۳۵۱۶۳۹/۵	۰/۰	۱۵۶۹۳۴۵/۹	%۶/۳	۱۴۹۴۱۸۳۲/۴	%۶/۱	۷۹۶۷۰۳۳/۷	%۲۲
ثامن	۲۰۶۶۶۴۸/۳	%۶۵	۱۱۱۵۶۸۸/۲	%۶/۷	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰



شکل ۷) میزان درصد از مساحت انواع کلاس‌های دسترسی به خدمات در مناطق کلان‌شهر مشهد

دسترسی همگانی به خدمات و منابع عمومی برای دستیابی به شاخص‌های دقیق‌تر لازم است که به بررسی اجزا و گونه‌بندی انواع خدمات نیز پرداخته شود لذا در این پژوهش برای مدیریت توزیع این خدمات از نظر میزان ضرورت تامین پرداخت به سه دسته خدمات عمومی حیاتی، ضروری و معمول دسته‌بندی شده است. مسلم است که هر چه اهمیت نوع خدمات بیشتر باشد، اهمیت سنجش عدالت در توزیع آنها بیشتر می‌شود. به همین دلیل سنجش توزیع عادلانه خدمات حیاتی و خدمات ضروری از اهمیت و اولویت بالاتری برخوردار است.

خدمات عمومی (خدمات عام‌المنفعه) به طور کلی به‌عنوان فعالیت‌های اقتصادی که منفعت عمومی دارند و در ابتکار عمل نهادهای عمومی هستند، تعریف می‌شود. برای فراهم کردن این خدمات وجود زیرساخت‌های فیزیکی لازم است و در توزیع خدمات عمومی نقش تأثیرگذاری دارند. توزیع برخی از خدمات به زیرساخت‌های ثابت چندان وابسته نیست. برخی خدمات هم به وسیله زیرساخت‌های شبکه‌ای فراهم می‌شوند و برخی دیگر از خدمات در مکان ثابت فراهم می‌شوند اما به زیرساخت‌های سیار نیاز دارند [Cho, 2003: 39].

منظور از خدمات عمومی حیاتی آن دسته از خدماتی هستند که مربوط به ایفای نقش‌های حیاتی شهروندان می‌شوند و تامین درجه اول اولویت و اضطرار قرار دارد (همانند آب شرب، سرپناه و غیره)؛ خدمات عمومی ضروری به خدماتی اطلاق می‌شود که بعد از خدمات حیاتی، تامین آنها برای رفع نیازهای اجتماعی ضرورت پیدا کند (همانند راه دسترسی). خدمات عمومی معمول نیز به آن دسته از خدمات گفته می‌شود که وجود آنها باعث افزایش و ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی می‌شود (همانند فضاهای سبز و فضاهای فرهنگی).

نتیجه‌گیری

بی‌عدالتی در توزیع خدمات عمومی نسبت به شاخص دسترسی بیشتر است؛ لذا نیاز فوری و اضطراری به برنامه‌ریزی اساسی کوتاه‌مدت و بلندمدت برای ارایه خدمات در سطحی مناسب و قابل قبول احساس می‌شود.

تشکر و قدردانی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

تأییدیه اخلاقی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

تعارض منافع: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

سهم نویسندگان: احمد افسری (نویسنده اول)، پژوهشگر اصلی/نگارنده بحث (۶۰٪)؛ سیدمسلم سیدالحسینی (نویسنده دوم)، پژوهشگر کمکی/روش‌شناس (۲۰٪)؛ مریم دانشور (نویسنده سوم)، پژوهشگر کمکی/تحلیلگر آماری (۱۵٪)؛ عمیدالاسلام ثقة‌الاسلامی (نویسنده چهارم)، پژوهشگر کمکی/نگارنده مقدمه (۵٪)

منافع مالی: این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده مسئول، با

طی سالیان گذشته، اقبال بیشتری به سئوالات مرتبط با عدالت و ظهور آن در شهرها بین افراد علاقه‌مند به تحقیق درباره جغرافیا و سیاست شهری به صورت انتقادی شکل گرفته است. تا حدودی این بررسی‌های معاصر به دنبال تقویت سنتی بود که در تحقیقات اولیه وجود داشت. گرچه این تحقیقات حاوی مطالبی درباره توصیف و تحلیل شهرها آن گونه که هستند، نبود ولی انواع سیاست‌ها و طرح‌هایی را که بایستی موقعیت آنها را بهتر سازد را مشخص می‌کرد (حداقل به دنبال جست‌وجوی آنها بود) و هنوز هم چنین تفاوت‌های مهمی در رویکردهای مربوط به عدالت و بی‌عدالتی وجود دارد که در مقایسه با گذشته پیشرفت کرده‌اند. بر این اساس روش‌های متداول در ارزیابی میزان دسترسی به خدمات، هر یک براساس شیوه اتخاذشده پژوهشگر همچون محتوای نظری روش، شاخص‌های اصلی ارزیابی، چگونگی تفسیر نتایج و غیره، مزیت‌ها و محدودیت‌هایی را دارند. این در حالی است که اغلب پژوهش‌هایی که تاکنون به‌منظور ارزیابی عدالت فضایی انجام شده است، علاوه بر ضعف‌های نسبتاً آشکار در مستندسازی و ارایه یک چارچوب نظری قابل اتکا معطوف به انتخاب یا تدوین یک روش اندازه‌گیری دسترسی و اعمال آن روی یک نمونه مکانی بوده است که اغلب به دلیل گزینش یک روش نامناسب، بعضاً در مکانی واحد، به تناسب تغییر در روش مورد استفاده نتایج کاملاً متفاوت و نامعتبر را در برداشته است که در شرایط انطباق آن با زمینه و تفاوت معنی‌دار آن با واقعیت‌های مکانی باعث کاهش اعتبار و عدم اطمینان به نتایج حاصل از این گونه بررسی‌ها را در پی داشته است. گذار از رویه‌های موجود، نیازمند بازبینی مجدد در روش‌های تحلیل توزیع مکانی است. همان طور که بیان شید هدف از انجام این پژوهش، تعیین شاخصی یکپارچه (دسترسی) برای سنجش عدالت فضایی در توزیع خدمات عمومی شهری است که با بهره‌گیری از منابع و داده‌های مختلف از شهر مشهد، به تحلیل و سنجش آن پرداخته شده است. در این پژوهش با انتخاب شاخص‌های پژوهش در راستای احقاق حقوق شهروندی به سنجش و ارزیابی میزان دسترسی خدمات عمومی کلان‌شهر مشهد پرداخته شد. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بیش از ۳۰٪ مساحت کل شهر مشهد (معادل ۱۰۳۸۱ هکتار) دارای کیفیت نامناسب و نسبتاً نامناسب در دسترسی به انواع خدمات هستند. بیشترین میزان پهنه‌هایی که دارای کیفیت نامناسب و نسبتاً نامناسب در دسترسی به خدمات هستند به ترتیب در مناطق ۷، ۶ و ۲ قرار دارند به طوری که به ترتیب بیش از ۷۰٪، ۴۰٪ و ۳۵٪ از مساحت، در پهنه نسبتاً نامناسب و نامناسب قرار دارد. لازم به ذکر است که این مناطق فاقد حداقل پهنه‌هایی با دسترسی خیلی‌خوب به خدمات هستند.

مهم‌ترین اهمیت گروه‌بندی کاربری‌ها در این پژوهش علاوه بر ضرورت تامین هر خدمت، دستیابی به یک اولویت‌بندی نسبتاً دقیق در سنجش توزیع خدمات است. با توجه به انتخاب مولفه

and Sadr. *Iran's Economic Essays*. 15(29):173-199. [Persian]

- Kaphle I (2006). Evaluating people's accessibility to public parks using geographic information systems: A case study in Ames, Iowa [Dissertation]. Iowa State University.

- Lahsaiy Zadeh A (2002). Inequalities and Social Stratification in Iran. *Journal of Social sciences and Humanities of Shiraz University*. 16(2):3-24. [Persian]

- Lefebvre H (2001). Comments on a new state form. *Antipode*. 33(5):769-782.

- Lennon M, Fox-Rogers L (2016). Morality, power and the planning subject. *Planning Theory*. 16(4):364-383.

- Lotfi S, Koohsari MJ (2009). Measuring objective accessibility to neighborhood facilities in the city (A case study: Zone 6 in Tehran, Iran). *Cities*. 26(3):133-140.

- Martínez J (2009). The use of GIS and indicators to monitor intra-urban inequalities. A case study in Rosario, Argentina. *Habitat International*. 33(4):387-396.

- Miller B, Nicholls W (2013). Social movements in urban society: The city as a space of politicization. *Urban Geography*. 34(4):452-473.

- Mills S (2003). Michel Foucault (Routledge Critical Thinkers). In: *Power/Knowledge*. London; pp. 67-79.

- Mirsepasi A (2017). Culture and Democracy. *Iran Namag*. 2(3):11-42. [Persian]

- Nazerzadeh Kermani F (1997). Principles of Farabi's political philosophy, theories of utopia with the implementation of the ideas of Plato and Aristotle. Tehran: Al Zahra University Press. [Persian]

- Nicholls S (2001). Measuring the accessibility and equity of public parks: A case study using GIS. *Managing Leisure*. 6(4):201-219.

- Omranzadeh B (2015). Explanation of Space Justice in Islamic Utopia (Case Study: Tehran Metropolis) [Dissertation]. Tehran University. [Persian]

- Safari M, Kakaei R, Ataei M, Karamoozian M (2012). Using fuzzy TOPSIS method for mineral processing plant site selection. *Arabian Journal of Geosciences*. 5(5):1011-1019.

- Shankar R, Shah A (2003). Bridging the economic divide within countries: A scorecard on the performance of regional policies in reducing regional income disparities. *World Development*. 31(8):1421-1441.

- Shariati A (1991). Tehran: Amon Publications. [Persian]

- Tajbakhsh K (2000). The promise of the city: space, identity, and politics in contemporary social thought. University of California Press.

- Talen E, Anselin L (1998). Assessing spatial equity: an evaluation of measures of accessibility to public playgrounds. *Environment and Planning A*. 30(4):595-613.

- Talen E (1998). Visualizing fairness: Equity maps for planners. *Journal of the American Planning Association*. 64(1):22-38.

- Yusefi A, Varshoei S (2011). Social inequality in Mashhad urban space: An Estimation of Education and Income inequality in Urban Spaces. *Journal of Iranian Social Studies*. 4(4):97-125. [Persian]

- Zadeh LA (1965). Fuzzy sets. *Information and Control*. 8(3):338-353.

عنوان "تبیین مدل توسعه متعادل فضایی در فرآیند روابط قدرت و رقابت درون‌شهری (نمونه موردی: کلان‌شهر مشهد) است که به راهنمایی دکتر سیدمسلم سیدالحسینی، دکتر مریم دانشور و مشاوره دکتر عمیدالاسلام ثقه‌الاسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد انجام شده است.

منابع

- Bakhtiari S (2000). Justice and Development in Islamic Economics, *Islamic Revolution Quarterly*. 4(2):154-169 [Persian]

- Bashirieh H (2003). An Introduction to the Philosophy of Justice, *Naghd*. 1(1):11-56 [Persian]

- Chen X, Sun J (2006). Sociological perspectives on urban China: from familiar territories to complex terrains. *China Information*. 20(3):519-551.

- Cho CM (2003). Study on effects of resident-perceived neighborhood boundaries on public services accessibility & its relation to utilization: using Geographic Information System, focusing on the case of public parks in Austin [Doctoral dissertation]. Texas A&M University.

- Ettaat J, Mousavi SZ (2011). The Relationship between Regional Security and Development of Political Spaces Case Study: Sistan and Baluchistan Province in Iran. *International Quarterly of Geopolitics*. 7(21):70-87 [Persian]

- Ezzatpanah B, Sobhani N, Rashidi A, Hesari E (2015). Investigating the Distribution of Urban Land Use in Urban Development Projects in Terms of Social Justice, Case Study: Shahindezh City. *Biannual Journal of Urban Ecology*. 6(12):49-64. [Persian]

- Fainstein SS (2014). The just city. *International Journal of Urban Sciences*, 18(1):1-18.

- Guthrie WKC (1996). History of Greek Philosophy, Pythagoras and the Pythagoreans, Ghavam M, Safari M, Translators. Tehran: Fekre Rooz Publication. [Persian]

- Habibi M, Massaeli S (2007). Urban use per capita, Tehran: National Organization for Land and Housing Publication. [Persian]

- Hafeznia MR, Ghaderi Hajat M (2016). Conceptualization of Spatial Justice in Political Geography. *International Quarterly of Geopolitics*. 11(40):32-60

- Harvey D (2003). *Social Justice and the City*. Hesamiyan F, Haeri M, Monadizade B, Translators. Tehran: Sherkate Pardazesh-e Barnamerizi Shahri Publication. [Persian]

- Hatami Nejad H, Farhoodi R, Mohammadpour Jaberri M (2008). Analysis of Social Inequalities in Utilizing Urban Services. *Human Geography Research*. 65(41):71-85. [Persian]

- Healey P (2003). Collaborative planning in perspective. *Planning Theory*. 2(2):101-123.

- Hewko JN (2001). Spatial equity in the urban environment: Assessing neighborhood accessibility to public amenities [Dissertation]. University of Alberta.

- Jalili Marand A, Motefaker Azad MA, Fallahi F (2018). On the Concept of Social Justice: Hayek, Rawls, Motahari